

# ائمه اثني عشر و نیز بیست و چهار نفس مسطور در مکاشفه یوحنا

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (100) امر و خلق - جلد 2

## ۱۰۰ - ائمه اثني عشر و نیز بیست و چهار نفس مسطور در مکاشفات یوحنا

و نیز در لوحی از حضرت بهاء الله است قوله الاعلی از جعفر برادر عسگری سؤال نمودند که آیا از برادر تو اولادی مانده فرمودند طفلی بود و فوت شد بعد که هیاکل مجعوله این کلمه را شنیدند تکذیب نمودند و او را کذاب نامیدند ملاحظه کنید که ظلم بچه مقام بود و افتراء بچه رتبه رسید بعد ذکر ناحیه مقدسه و ظهور توابع بمیان آمد بهمان تفصیلات که از قبل شنیدید حق انصاف عنایت کند امثال آن نفوس را که ناس بیچاره را در تپه ظنون و اوهام سرگردان نمودند و اتب او ابی لهب گذاشتند حال مدتها هم این لقب کذاب از برای آن ناطق صادق ما بین آل فرعون خواهد بود .

و از حضرت عبدالبهاء در خطابی است قوله العزیز در عصر حضرت ابراهیم در حق اسحق برکت دعائی و در عصر موسوی یوشع بن نون را از لسان حضرت مختصر مدح و ثنائی و در ظهور عیسوی در حق شمعون بابت الصخرة و علی هذه الصخرة ابنی کنیستی بیان مجملی و در طلوع شمس محمدی در غدیر خم من كنت مولاه فهذا علی مولاه عبارت مختصری .



ORIGINAL

و هم از حضرت عبدالبهاء در خطابی است قوله العزیز از غدیر خم سؤال شده بود حکایت غدیر خم این است که در حجة الوداع حضرت رسول در غدیر خم که منزلی از منازل ما بین مدینه و مکه است کمر بند حضرت امیر را گرفتند و بلند فرمودند و گفتند ایها الناس من كنت مولاه فهذا علی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله بعد حضرات حاضرین جمیع اذعان و تجید نمودند حتی عمر بنخ لک یا علی لقد اصبحت مولای و مولی کل مومن و مومنه گفت ولی بعد فراموش نمودند ع و از آن حضرت در خطاب باقا موسی و آقا کیشی باد کوبه قوله العزیز سؤال از امام دوازدهم نموده بودید رساله مطبوعه جناب حاجی میرزا محمد افشار را بدست آورده این مسأله در آنجا باحادیث متعدده و دلایل عقلیه و نقلیه شرح و تفصیل داده شده امام دوازدهم حضرت اعلی روحی له الفداء که خاتمه اسلاف و فاتحة الالطاف بودند در بدایت اظهار قائمیت و ذکر امامت فرمودند که من آنشخص موعودم و جمیع شیعیان منتظر امام دوازدهم بودند باری چون رساله جناب حاجی افشار را مطالعه فرمائید از احادیث ماثوره در آن واضح و مبرهن شود که در دور سابق امام دوازدهم در عالم غیب امکان بود نه در عرصه شهود ولی در این ظهور اعظم دو برابر آنان اند دریندور بدیع هیجده حروف حی و ذات مقدس حضرت اعلی که جمعا نوزده نفر میگردد و همچنین پنج نفس مقدس مبارک دیگر که حال ذکر ایشان حکمت اقتضا نماید بعد ظاهر و آشکار شود .

و قوله العزیز از نفوس مبارک که اشخاص نهمه سؤال نموده بودی یکی از آنها حضرت متصاعد الی الله حاجی میرزا محمد تقی افغان است و چهار دیگر بعد بیان خواهد شد قوله الکریم طهران حضرت فاضل شیرازی علیه بهاء الله هو الله ... در خصوص امام ثانی عشر استفسار نموده بودید این تصور از اصل در عالم جسم وجود نداشته بلکه حضرت امام ثانی عشر در حیز غیب بود اما در عالم جسد تحقیقی نداشت بلکه بعضی از اکابر شیعیان در آنزمان محض محافظه ضعفای ناس چنین مصلحت دانستند که آنشخص موجود در حیز غیب را چنین ذکر نمایند و تصور شود که در حیز جسم است لان عالم الوجود عالم واحد ما کان غیبیا الا بکم و ما کان مشهودا الا بکم چنین تفکری و تصویری و تدبیری نمودند این حجر در صواعق یک بیتی میگوید ما آن للسرداب ان یلد الذی سمیتوه بزعمکم انسانا فعلی عقولکم العفا لانکم ثلاثم العنقاء و الغیلانا باری اگر رجوع بروایات شود و دقت تام گردد واضح و مشهود شود که این امام همام علیه السلام از اصل در حیز جسم نبوده .

و در خطاب باقا نعمت الله نراقی در همدان قوله العزیز و اما الامام الثانی عشر حضرت نقطه اولی بودند و موعود فرقان در آن کور امام ثانی عشر بودند و درین کور طلعت اولی مبشر بظهور موعود بیان من ینظر الله ولی امام حسن عسکری را بروایتی ضعیف طفلی بوده و بعد فوت شده اند احادیثی درینخصوص واضح و مشروح در رساله جناب حاجی میرزا محمد افشار مروی و مذکور مراجعت بآن کتاب نمائید قناعت حاصل میشود

و در خطاب بحاجی صدر همدانی در طهران قوله العزیز اما مسأله امام دوازدهم چون در نفس احادیث ائمه بحسب ظاهر مناقشه واقع در جائی محمد بن الحسن علیه السلام را نفس قائم موعود شمردند و در جائی دیگر و

حدیثی دیگر وفات محمد ابن الحسن علیه السلام و تولد قائم منتظر را در آخر الزمان بیان میفرمایند پس بجهت توفیق بین دو حدیث چاره از برای نفسی نه مگر اینکه تیقن نمائید که امام دوازدهم قائم موعود در حیز ملکوت روحا موجود بود و در یوم ظهور جسما مشهود گشت باین تجسم شخص ثانی گشت و ان من شیئی الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم آنچه در حیز ملک ظاهر گردد اول در حیز ملکوت بوده و حکم وجود داشته این مسأله امام دوازدهم و قائم موعود در احادیث شیعه بسیار متزلزل است اگر نفسی انصاف داشته باشد هیچ یک ازین روایات مختلفه متباینه متعارضه را اعتماد ننماید حضرات شیعیان هر یک از ائمه اطهار را در یومش قائم میدانستند و منتظر خروج او بودند بعد از امام حسن عسکری رؤساء ملاحظه کردند که بنیاد امید شیعیان بکلی ویران خواهد شد و مأیوس و مضمحل خواهند گشت خواستند بوسیلهء نگهداری کنند لهذا نگاہ و استعاره و مجاز و تأویل بکار بردند و روایات مختلفه پدیدار شد حقیقت حال این است که شیعیان بعد از امام حسن عسکری علیه السلام همه قسمت شدند قسمی بامامت جعفر نادان تثبیت نمودند و او را تهنیت و تبریک بامامت گردند و قسمی دیگر بغیوبت تثبیت نمودند و هر روز منتظر خروج بودند هزار سال است که انتظار میکشند و هنوز کلال و ملال نیاوردند سبحان الله ظهور حق با وجود آنکه بنص صریح من دون تفسیر و تأویل منصوص قرآن است قوله تبارک و تعالی و جاء ربک و الملک صفا صفا درین شبهه نمایند تزلزل و تأویل رکیک کنند و روایاتی که در نهایت تزلزل است تثبیت نمایند و نص صریح انگارند و بآن معارضه کنند این چه بلاهت است و نادانی و این چه حماقت است و سرگردانی .

و خطاب بمحمد عطار بندر جز قوله العزیز هو الله ای مهتدی بنور هدی نامه شما رسید هر چند من فرصت ندارم ولی جواب مختصری مینگارم بیست و چهار نفس مبارک که ادلاء اسم اعظم اند نوزده نفس عدد حروف حی واحد است که حضرت نقطه اولی روحی له الفداء و هیجده حروف حی باشند پنج دیگر در ملکوت اسرار الی الآن مکتوم حکمت الآن اقتضاء نماید لکن من بعد ذکر خواهد شد و اما حدیث مروی که دوازده امام از حضرت امیر تا محمد بن حسن است و حدیث ثانی که دوازده امام از سلاله حضرت علی و حضرت فاطمه است و بین حدیثین تباین است ولی حضرت امیر را داخل دوازده نمائیم حضرت اعلی روحی له الفداء موعود فرقان نهایت ائمه اطهارند زیرا مقصود از امام دوازدهم که قائم موعود است حضرت اعلی روحی له الفداء است زیرا در کور فرقان حضرت اعلی مهدی موعودند و درین دور بدیع نقطه اولی و صبح هدی و مبشر جمال ابهی اما احادیثی که در حق امام محمد بن حسن وارد جمیع مشوش است مراجعه نمائید ملاحظه خواهید کرد .

و در رساله حاجی میرزا محمد افشار احادیث مشوشه متنوعه باسناد صحیح مذکور است مراجعه بان نمائید بعضی روایات روایت کرده اند که طفل صغیری بود و وفات نمود درینصورت با حضرت اعلی سلاله فاطمه زهرا دوازده نفس بعرصه وجود قدم نهادند این تأویل است اما حقیقت حال این است که این احادیث مشوش است و در نزد هر منصف واضح و مشهود .